**آیا آمریکا می تواند با ایران کنار بیاید. همه چیزی به سرعت رئیس کاخ سفید بستگی خواهد داشت.**

منبع و تاریخ: روزنامه نیزاویسیمایا گازیه تا، 21 ژانویه 21

نویسنده: سرگی سِمِنوف، هماهنگ کننده برنامه «روسیه و عدم اشاعه هسته ای» مرکز پیرسنتر؛ ماریا باندارِوا، کارمند پیرسنتر

جو بایدن 20 ژانویه رسما رئیس جمهور شد. در رابطه با ایران یک «زمین سوخته» به او می رسد. دونالد ترامپ تا سرحد امکان گره تحریم را سفت کرد و اقدامات تحریک آمیز علنی با «رنگ و بوی» تروریستی را نیز کنار نگذاشت. ترور «پدر برنامه هسته ای ایران»، دانشمند محسن فخری زاده که گمان می روم سرویس های اطلاعاتی اسرائیل پشت آن باشند، چیزی جز تلاش برای از بین بردن چشم انداز احیاء برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) توسط دولت جو بایدن، نیست.

ضمنا بعد از 20 ژانویه بایدن احساس خواهد کرد که ترامپ رفته است، اما کار او زنده است. بسیاری از بازیگران مهم برای سیاست خاورمیانه ای آمریکا- متحدان عربی، جمهوری خواهان در سنا، لابی های اسرائیل- معتقدند که سیاست فشار حداکثری به تهران یگانه سیاست درست است.

بایدن می خواهد «قدرت هوشمند» را در مقابل قدرت نتراشیده ترامپ قرار بدهد. در عین حال اهداف سیاست آمریکا بدون تغییر باقی خواهند ماند: حل مسأله برنامه موشکی ایران و فعالیت «بی ثبات کننده» تهران در منطقه.

رئیس جمهور منتخب قصد دارد پس از بازگشت به برجام که مبنا را برای مذاکره در خصوص طیف وسیع تری از مسائل فراهم می کند، به این اهداف برسد.

اجماع دو حزبی در رابطه با ایران

اغراق آمیز خواهد بود اگر تلقی شود که سیاستمداران در تهران خواب هستند و می بینند که با آمدن دولت بایدن با آمریکا در خصوص مسائل منطقه و پتانسیل موشکی کشور مذاکره می کنند. بالعکس در ایران اجماع نظر وجود دارد که در این موضوع نمی توان حتی یک اینچ عقب نشست.

در شرایط حضور نظامی آمریکا در منطقه و رابطه خصمانه علنی کشورهای عربی همسایه نسبت ایران، مقامات جمهوری اسلامی مجبور هستند که همزمان بازی را در دو جهت به پیش ببرند. اولا تأثیرگذاری روی چینش قدرت در منطقه از طریق تشکل های طرفدار ایران در لبنان، عراق، سوریه و یمن. دوما تأمین بازدارندگی- که فعلا خدا را شکر، غیر هسته ای است- از طریق تقویت ظرفیت موشکی.

در عین حال در مواضع نخبگان سیاسی ایران تفاوت های جزئی وجود دارند.

محافظه کاران که در اوایل سال 2020 اکثریت مطلق را در انتخابات مجلس بدست آوردند (و چنانچه انتظار می رود در انتخابات ریاست جمهور در ژوئن 2021 نیز پیروز خواهند شد)، به صورت سنتی مخالف با هرگونه مذاکره با آمریکا در خصوص مسائل غیر هسته ای هستند. به نظر آنها، در حال حاضر باید به هر طریقی پتانسیل نظامی کشور را تقویت کرد و نباید مذاکره کرد.

برای مثال سعید جلیلی، عضو شورای عالی امنیت ملی ایران و مذاکره کننده سابق در مسائل هسته ای در زمان ریاست جمهور محمود احمدی نژاد، به گفتگوی رئیس جمهور حسن روحانی با امانوئل ماکرون، رئیس جمهور فرانسه در خصوص مشکل موشکی به شدت واکنش نشان داد: «روحانی باید از اینگونه مذاکرات خودداری کند، مذاکرات مربوط به مسائل غیر هسته ای قابل قبول نیست».

اصلاح طلبان میانه رو مذاکره در خصوص مسائل غیر هسته ای را تهدیدی برای منافع ملی ایران تلقی نمی کنند و بیشتر به ایده تأمین امنیت کشور از طریق مذاکره تمایل دارند.

توافق می کنیم؟

در این رابطه ایده برقرار کردن ساختار امنیتی جدید در منطقه خلیج فارس بیشتر ضروری به نظر می رسد. برای مثال در سال 2019 حسن روحانی، رئیس جمهور ایران ایده «ابتکار صلح هرمز» را از تریبون مجمع عمومی سازمان ملل متحد مطرح کرد.

«ابتکار» انعقاد توافقنامه منطقه ای درباره عدم مداخله و عدم تجاوز، تنظیم اقدامات برای کنترل بر تسلیحات، شفافیت و اعتماد در منطقه، عدم عضویت در اتحادها علیه سایر کشورهای منطقه را مدنظر دارد. و همچنین رفع نگرانی های کشورهای عربی در خصوص بستن تنگه هرمز توسط ایران، که از طریق آن 20 درصد نفت جهان عرضه می شود، را در بر می گیرد.

نظریه روسیه در خصوص تأمین امنیت جمعی در منطقه خلیج فارس که در اواخر سالهای 1990 تهیه شده است نیز مشابه با پیشنهادات ایران است.

روسیه به کشورهای منطقه و بازیگران خارجی ذینفع پیشنهاد می کند که خطوط تماس اضطراری برای پیشگیری تشدید درگیری های احتمالی برقرار کنند و تبادل اطلاعات درباره برگزاری رزمایش های نظامی را آغاز کنند. در چشم انداز مطلوب است که توافقاتی در حوزه کنترل بر تسلیحات متعارف حاصل شود. و همچنین ایجاد منطقه عاری از تسلیحات کشتار جمعی و حامل های آنها در خاورمیانه.

هدف نهایی ابتکار روسیه، تأسیس سازمان امنیت و همکاری در منطقه خلیج فارس است که علاوه بر کشورهای خلیج، روسیه، چین، آمریکا، اتحادیه اروپا، هند و سایر کشورهای ذینفع نیز در آن عضو شوند.

ظاهرا دولت بایدن نیز از گفتگو درباره ساختار امنیت منطقه ای حمایت می کند. جیک سالیوان که به سمت مشاور امنیت ملی منصوب شده است اعلام کرد که آمریکا حاضر است حل مسائل فعالیت منطقه ای و برنامه موشکی ایران را به سطح منطقه ای بسپارد.

وقت تنگ است.

اما به توافق رسیدن بسیار دشوار است. طی چهار سال اخیر سیاست فشار حداکثری آمریکا منجر به تضعیف مواضع نیروهای سیاسی میانه رو در ایران شده است که روی مذاکره با واشنگتن حساب می کردند. امروز اصلاح طلبان ایران، آن آزادی مانور که در سال 2015 داشتند را ندارند. و برای توافق کردن در خصوص هر چیز جدیدی، باید ابتدا برجام به شکل اولیه آن احیاء شود.

برای نجات برجام زمان زیادی باقی نمانده است. شورای نگهبان قانون اساسی ایران در تاریخ 2 دسامبر قانون «اقدام راهبردی برای لغو تحریم ها» را تأیید کرد. این قانون مقرر می کند که اگر تحریم ها علیه بخش نفت ایران طی دو ماه لغو نشوند، ایران محدودیت های مرتبط با توافقنامه هسته ای و اجرای پروتکل الحاقی آژانس بین المللی انرژی اتمی را کاملا کنار می گذارد. اجرای مفاد این قانون عملا به معنای مرگ بازگشت ناپذیر برجام است. به همین خاطر بایدن تنها دو هفته تا آغاز فوریه خواهد داشت تا تحریم هایی که ترامپ وضع کرده است را لغو کند.

در نهایت با توجه به اینکه به احتمال زیاد یک نامزد محافظه کار در انتخابات ریاست جمهوری ایران در تاریخ 18 ژوئن پیروز خواهد شد، وسوسه تلاش برای طراحی modus operandi [روشی خاص برای همکاری] با دولت کنونی ایران وجود دارد- تا احتمالا بدین ترتیب به میانه رو ها کمک کند. اما برای اجرای طرح هایی با چنین مقیاسی، پنج ماه فوق العاده کم است. و حتی اگر فرض کنیم که از 20 ژانویه بایدن عملا به پرونده ایران بپردازد، او همچون گذشته نیاز خواهد داشت که متحدان آمریکا در منطقه را متقاعد کند، [متحدانی] که اکثر آنها رابطه خوبی با ایران ندارند، تا به فرآیند برقرار کردند ساختار امنیتی جدید در خاورمیانه و در منطقه خلیج فارس بپیوندند.

و بنابراین دستیابی به دستاوردهای پر سروصدا اما گذرا، نظیر زمان دولت ترامپ، اولویت نخواهد بود، بلکه [اولویت] راه اندازی فرایندی است که موفقیت آن پاسخگوی منافع همه کشورهای خاورمیانه، و از جمله ایران، خواهد بود.

منبع: <https://nvo.ng.ru/gpolit/2021-01-21/2_1125_iran.html>